

# علم اصول الفقہ

۲۸

۹-۹-۸۹ پیدایش علم اصول

دراسات الاستاذ:  
مهدی المادوی الطهرانی

## افول اخباری-گری

- علی رغم اطلاعات ضعیف برخی اخباری‌ها به خصوص سلسله جنیان آن، امین استرآبادی، اخباری-گری در دوره‌ای غلبه یافت و منجر به حملات تند و شدید به اصولی‌ها گردید. جریان اخباری-گری دایم گسترش می‌یافت، غوغای اخباری‌ها و اصولی‌ها بالا می‌گرفت و حمله‌ی اخباری‌ها روز به روز بیشتر می‌شد.

## افول اخباری-گری

- این جریان همچنان تا زمان صاحب حدائق و مرحوم وحید بهبهانی ادامه داشت و در حقیقت وحید بهبهانی (متوفای ۱۲۰۶ هـ.ق) اولین کسی بود که هیمنه‌ی اخباری-گری را شکست.

## افول اخباری-گری

- البته عواملی به او کمک کردند که از جمله‌ی آنها وجود یک اخباری معتدل، با تقوی، متواضع مثل صاحب حدائق بود. اگر تلاش اصولی بزرگی چون وحید بهبهانی و همکاری اخباری عاقلی چون صاحب حدائق نبود، بساط اخباری-گری تا مدت‌ها بعد نیز گسترده بود و باز اگر کمک‌های مؤثر صاحب حدائق نبود، شاید مرحوم وحید نمی‌توانست به این راحتی پرونده‌ی اخباری-گری را ببندد.

## افول اخباری-گری

- همان گونه که قبلاً نیز بیان کردیم، صاحب حدائق می گوید: من اول اخباری بودم ولی بعد از تأمل و دقت و بحث-هایی با علمای اصولی، به این نتیجه رسیدیم که نمی توان از مکتب اخباری-گری تبعیت نمود. اما علی رغم این بیان، وی گرایش اخباری داشت. شاهد بر این مطلب بعضی عبارات او در کتاب الحدائق الناضرة است.

## افول اخباری-گری

- وی با این که در اول کتاب خویش حملات تند امین استرآبادی را مورد نقد قرار می دهد و توصیه می کند که باید با علمای بزرگ مؤدب سخن گفت، در بعضی بحث ها، عصبانی می شود و تند بر خورد می کند. مثلاً در مسأله ی سیادت در مقابل آن عده که فقط انتساب از ناحیه ی پدر را منشأ سیادت می دانند، اعتقاد دارد انتساب به مادر هم کافی است. صاحب حدائق بعد از طرح این مبحث با حمله ای تند به مخالفان نظریه ی خویش می گوید: آنها که فقط انتساب از طرف پدر را شرط می دانند، همان حرف سنی ها را تکرار می کنند که می خواستند با عدم انتساب فرزندان فاطمه علیها السلام به حضرت رسول صلی الله علیه وآله، حق این بانوی گرامی اسلام را انکار کنند.

## افول اخباری-گری

- اما همین شخصیت با وجود گرایش اخباری به مرحوم وحید کمک کرد. این دو با هم در کربلا بودند: مرحوم وحید، اصولی، صاحب حدائق، اخباری؛ مرحوم وحید، جوان، صاحب حدائق، سالمند؛ مرحوم وحید، ناشناخته، صاحب حدائق، مشهور؛ مرحوم وحید حضور در نماز جماعت صاحب حدائق را حرام اعلام کرد، صاحب حدائق حضور در نماز جماعت مرحوم وحید را ترویج و تشویق نمود.

## افول اخباری-گری

- صاحب حدائق برای این جوان تازه به کربلا آمده، امکان ایجاد حوزه‌ای در کربلا و رشد او را فراهم کرد. همین امر سبب تحقق توانایی دیگری در وحید بهبهانی شد. این امکان، همان شاگردان برجسته‌ای بودند که با آنها مرحوم وحید از یک فرد به یک جریان تبدیل شد. این جریان باعث انزوای اخباری-گری در تاریخ تشیع و خارج شدن اصول از انزوا گردید.



## افول اخباری-گری

- جرأت و حید بهبانی و عظمت علمی او همان گونه که در شرح حال وی خواهیم گفت، منشأ تحول در حوزه‌های علمی شیعی در آن زمان بود و اگر صاحب حدائق هم تغییر جهت داده، تحت تأثیر بحث‌های مرحوم وحید بود.

## افول اخباری-گری

- . ر.ک: شیخ یوسف بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۱، صص ۱۶۹ - ۱۷۰.

## فصل پنجم: درخشش اصول و غلبه بر اخباری-گری

- وحید بهبهانی (متوفای ۱۲۰۶ هـ. ق) شخصیتی است که ویژگی‌های شخصی خودش و برخی عوامل جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی، در منزوی کردن اخباری-گری برای همیشه، به او کمک نمود. وی بسیار تیز هوش، خوش بیان و سریع الانتقال بود. در دوره‌ای در عراق تحصیل کرد. همان گونه که بیان کردیم، وحید بهبهانی به قدری از لحاظ علمی و بیانی قوی بود که سید صدر یعنی استاد خود را تأثیر قرار می‌داد.

## فصل پنجم: درخشش اصول و غلبه بر اخباری-گری

- وحید بعد از مدتی تحصیلات در عراق به ایران باز گشت و به بهبهان رفت. وی در اصل اصفهانی (متولد ۱۱۱۶ یا ۱۱۱۷ یا ۱۱۱۸) بود ولی چون مدتی را در بهبهان به سر برده بود و شهرتش از آنجا بود، به وحید بهبهانی معروف شد.

## فصل پنجم: درخشش اصول و غلبه بر اخباری-گری

- علت اقامت او در بهبهان، وجود یکی از سه شخصیت اخباری افراطی یعنی شیخ عبد الله حاج صالح بحرینی در بهبهان بود که از مراکز مهم اخباری به حساب می آمد. شیخ عبد الله بحرینی (متوفای ۱۱۳۵) در سال ۱۱۳۰ از بحرین به ایران آمد و در بهبهان سکونت گزید. بعد از او شاگردش سید عبد الله بحرینی تا سال ۱۱۶۵ در بهبهان راه استاد را ادامه داد.

## فصل پنجم: درخشش اصول و غلبه بر اخباری-گری

- وحید در بهبهان مبارزه‌ی خود را با اخباری‌ها آغاز کرد و به دلیل همان قدرت علمی و بیانی بر تمامی علمای اخباری بهبهان و بعد تمامی علمای اخباری اصفهان غلبه پیدا کرد. البته قبل از این زمان نیز در نجف با تأثیر بر استاد خویش، حملاتی ضد اخباری‌ها داشت.

## فصل پنجم: درخشش اصول و غلبه بر اخباری-گری

- از قصه-هایی که وحید در بر خوردش با اخباری‌ها نقل کرده، پیدا است که آنها از نظر علمی، افراد ناتوانی بودند و به هر روایتی که دست می‌یافتند، تمسک می‌جستند. از آن جمله داستان زیر است:

## فصل پنجم: درخشش اصول و غلبه بر اخباری-گری

- وحید نقل می-کند که از اخباری‌ها پرسیدم: شما که علم نجوم را حرام می‌دانید، قبله را چگونه تعیین می‌کنید؟ آنها در جواب به این روایت تمسک کردند که در آن روایت حضرت می‌فرماید: برای تعیین قبله، ستاره‌ی جدی را پشت شانه‌ی چپ قرار ده، سمتی که می‌ایستی قبله است.



## فصل پنجم: درخشش اصول و غلبه بر اخباری-گری

- در مقابل این جواب به آنها گفتم: کسی که در آن روایت از حضرت سؤال کرده، همشهری تو نبوده، شاید قبله‌ی شهر او به آن گونه که تقریر شد، تعیین می‌گشته است. از کجا معلوم قبله‌ی تو هم، همان باشد؟ آنها در جواب این سؤال من اظهار داشتند که اگر به روایت عمل نکنیم، مرتکب حرام شده‌ایم.

## فصل پنجم: درخشش اصول و غلبه بر اخباری-گری

- سپس خود او در توصیف اخباری-ها می گوید: اینها این طوری-اند، افراد عمیقی نیستند. اگر در روایتی حضرت بفرماید: «آب سرد بخور، خوب می شوی»، گمان می کنند هر مریضی با آب سرد بهبود می یابد.

## فصل پنجم: درخشش اصول و غلبه بر اخباری-گری

- وحید بعد از شهرتش در ایران و پیروزی بر علمای اخباری در آن روزگار، به عراق رفت. مدت کوتاهی را در نجف که سید صدر ریاست حوزهی آنجا را به عهده داشت، سپری کرد و بعد از آن در سال ۱۱۵۹ هـ. ق به کربلا رفت. در کربلا شیخ یوسف بحرانی، صاحب حدائق، ریاست و مرجعیت اخباری‌ها را بر عهده داشت.

## فصل پنجم: درخشش اصول و غلبه بر اخباری-گری

- در آن روزگار کربلا، برای سراسر بلاد شیعی اسلامی، مرکزیت داشت و مسلماً بر اثر جو حاکم، مرکز اخباری‌های بزرگ بود. جرأت و حید به او کمک کرد که در روزگار متهم شدن اصولی‌ها و گاه به قتل رسیدن آنها، اثر مهمی را نیز در کربلا از خود به جای گذارد و کم‌کم آتشی را که امین استرآبادی حدود دو قرن افروخته بود و تمام حوزه‌های شیعی را فرا گفته بود، خاموش نماید.

## فصل پنجم: درخشش اصول و غلبه بر اخباری-گری

• وحید با ورود به کربلا، چند روزی در درس صاحب حدائق شرکت کرد و بعد از آن به حرم امام حسین علیه السلام رفت و با صدای بلند فریاد کشید: انا حجة الله علیکم. بعد از این که جماعتی دور او حلقه زدند و علت داد و فریاد او را جویا شدند، وحید اظهار داشت: صاحب حدائق باید کرسی تدریسش را به من بدهد تا تدریس کنم. وقتی جریان را به اطلاع صاحب حدائق رساندند، صاحب حدائق اجازه داد و وحید سه روز بر منبر تدریس صاحب حدائق نشست. بعد از این سه روز، دو سوم شاگردان صاحب حدائق، مذهب اخباری را رها کردند و اصولی شدند. نقل می‌کنند وقتی این خبر را به صاحب حدائق دادند، او خوشحال شد.

## فصل پنجم: درخشش اصول و غلبه بر اخباری-گری

- قدرت، شجاعت، توانایی علمی و حسن برخورد اجتماعی و حید باعث شد شاگردان برجسته‌ی صاحب حدائق مثل سید مهدی بحر العلوم و مرحوم طباطبایی، صاحب ریاض، جذب بحث او شوند. همین شاگردان، و حید را به جریانی ضد اخباری-گری تبدیل نمودند.

## فصل پنجم: درخشش اصول و غلبه بر اخباری-گری

- ما مکرر شاهدیم که در صورت وجود شاگردان برجسته، یک عالم به یک جریان تبدیل می‌گردد در حالی که عالمان فاقد شاگردان قوی، به ندرت در پیدایش جریان فکری جدید موفق بوده‌اند. وجود حلقه‌ای از شاگردان برجسته و قوی که بتوانند مباحث استاد را در ساحت‌های مختلف بیان نمایند، در پیدایش یک جریان علمی نقش بسیار مؤثری را ایفا می‌کنند و مرحوم وحید از چنین موقعیتی برخوردار بود. با وجود آن شاگردان، وحید در مبارزه تواناتر شد. ما انشاء الله در مبحثی جداگانه به شاگردان وحید و شاگردان آنها می‌پردازیم که در نوبه‌ی خود افراد قوی و برجسته‌ای بودند.

## فصل پنجم: درخشش اصول و غلبه بر اخباری-گری

- وحید با صاحب حدائق خیلی تند برخورد می‌کرد. در زمانی که صاحب حدائق مرجعیت شیعه را داشت و بزرگترین عالم شیعه به حساب می‌آمد، وحید اعلام کرد نماز خواندن پشت وی حرام و باطل است. و جالب است که وقتی حکم وحید را به صاحب حدائق اطلاع دادند، وی گفت: ولی نماز خواندن پشت سر وحید جایز و صحیح است. اطرافیان صاحب حدائق با تعجب پرسیدند: آقا چگونه شما اینچنین سخن می‌گویید؟ صاحب حدائق می‌گوید: من به وظیفه‌ی خودم عمل می‌کنم و وحید به وظیفه‌ی خودش. او آن گونه تشخیص داده و من این گونه.



## فصل پنجم: درخشش اصول و غلبه بر اخباری-گری

- این واقعه‌ی تاریخی بیانگر آن است که هر دو در اخلاقیات به جایی رسیده بودند که واقعاً هوای نفس در آنها راه ندارد. اگر وحید با صاحب حدائق در می‌افتد نه از آن جهت است که ادعای ریاست دارد، بلکه برای از بین بردن مسیر غلط و مضر برای شیعه پای در میدان گذارده است.

## فصل پنجم: درخشش اصول و غلبه بر اخباری-گری

- وحید با صاحب حدائق مناظره‌ی علنی نداشت. می‌گویند علت آن این است که وحید در موقعیت انکار صاحب حدائق قرار داشت و نمی‌خواست با مناظرات علنی، صاحب حدائق را به نوعی تأیید نماید.

## فصل پنجم: درخشش اصول و غلبه بر اخباری-گری

- اما مرحوم قمی صاحب مفاتیح از یکی از خدام حرم امام حسین علیه السلام مناظره‌ای بین وحید و صاحب حدائق را نقل می‌کند. آن خادم می‌گوید: شب بود، حرم داشت بسته می‌شد، دیدم وحید و صاحب حدائق در حرم مشغول بحث هستند. خادمان حرم از آنها خواستند که بیرون بروند تا بتوانند درها را ببندند. آنها به صحن آمدند و همچنان مشغول بحث بودند. بعد از مدتی آنها را از صحن حرم هم بیرون فرستادند. خادم می‌گوید: ما درها را بستیم و رفتیم. صبح فردا که آمدم در را باز کنم دیدم این دو عالم همچنان پشت در بسته مشغول بحث هستند. مات و مبهوت به آنها نگریستم. وقتی اذان صبح را گفتند صاحب حدائق به طرف صحن آمد تا نماز جماعت بخواند و مرحوم وحید، عبایش را پهن نمود و نماز صبح خود را به تنهایی خواند و به صاحب حدائق اقتدا نکرد.

## فصل پنجم: درخشش اصول و غلبه بر اخباری-گری

- قبلاً از قول صاحب حدائق نقل کردیم که مناظرات او با بعضی علمای اصولی بزرگ، مثل وحید، دیدگاهش را تغییر داده است. وی در آخرین مطلب مقدمه‌ی حدائق می‌نویسد: اول اخباری بودم ولی بعد به این نتیجه رسیدم که روش علمای اخباری جز به هتک علمای بزرگ شیعه نمی‌انجامد. از این روی از مسیر آنها دور شدم.

## فصل پنجم: درخشش اصول و غلبه بر اخباری-گری

- صاحب حدائق خودش را آدم معتدلی شبیه مجلسی دوم می‌داند و با این که از امین استرآبادی با احترام یاد می‌کند اما دایم اعتراض می‌نماید که روش برخورد او با علمای بزرگ شیعه غلط بود. در هر حال صاحب حدائق اخباری باقی می‌ماند، اما بسیار معتدل می‌شود.

## فصل پنجم: درخشش اصول و غلبه بر اخباری-گری

- کار عجیب دیگری که صاحب حدائق انجام داده، وصیت او است. او در وصیت خویش از وحید خواست که بر او نماز بخواند و با این کار مرجعیت شیعه‌ی بعد از خود را تعیین کرد. البته وحید در همان زمان هم از قدرت و نفوذ بسیاری در حوزه‌ی کربلا برخوردار بود؛ اما وقتی بعد از رحلت صاحب حدائق، مرحوم وحید بر طبق وصیت، بر صاحب حدائق نماز خواند، رسماً مرجعیت شیعه به وحید منتقل شد و حدود بیست سال فاصله‌ی رحلت این دو عالم سرنوشت ساز، مرجعیت شیعه بر عهده‌ی وحید بهبهانی بود.

## فصل پنجم: درخشش اصول و غلبه بر اخباری-گری

- رجوع کنید: همین نوشتار، مبحث اصولی‌ها در عصر شکوفایی اخباری-گری
- قبلاً گفتیم آنها علوم عقلی-ای را که مستند نقلی نداشته باشد، حرام می‌دانند.
- مرحوم مامقانی این داستان را از ثقاتی که حادثه‌ی آن روزگار را دیده بودند، نقل می‌کند. ر.ک: شیخ عبد الله مامقانی، تنقیح المقال، ج ۲، الجزء الثاني، ص ۸۵ رقم ۱۰۴۲۹ (ترجمه‌ی وحید بهبهانی).
- در مورد برخورد اجتماعی وحید بهبهانی نقل کرده‌اند که او توانست اختلافات محلی بین بهبهان و قنوات را حل نماید.
- ر.ک: شیخ عبد الله مامقانی، تنقیح المقال، ج ۲، الجزء الثاني، ص ۸۵، رقم ۱۰۴۲۹ (ترجمه‌ی وحید).

## عوامل موفقیت و حید بهبہانی

- شہید صدر عامل پیروزی و حید بہبہانی را در چہار چیز می داند:
- عامل عکس العمل: عکس العمل جریان اخباری-گری برای و حید این امکان را فراهم کرد کہ بتواند دوبارہ دیدگاہ‌های اصولی را مطرح نماید.



## عوامل موفقیت وحید بهبهانی

- نقش موسوعه‌های حدیثی: در دوران اخباری-گری، موسوعات جدید حدیثی به تحریر در آمد و نیاز به آنها بر طرف شد. وجود موسوعات حدیثی امکان رشد علمی را ایجاد کرد و این رشد عامل موفقیت وحید بود.

## عوامل موفقیت وحید بهبهانی

- نقش حاج آقا حسین خوانساری: توانایی فلسفی-ای که مرحوم حاج آقا حسین خوانساری به اصول داده بود، وحید را در مقابله با اخباری‌ها تواناتر کرد.
- عامل مکان: کربلا نزدیک نجف بود. نجف مرکز اصلی حوزه به شمار می‌آمد. قرب به نجف، موجب استمرار حرکت آغاز شده در کربلا توسط شاگردان و اساتید حوزه‌ی نجف گردید.